

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



حقوق خانواده

مؤلف:

دکتر علی اصغر دل زنده روی

وکیل پایه یک دادگستری

مدرس دانشگاه

انتشارات چتر دانش

- سرشناسه : دلزنده‌روی، علی اصغر، ۱۳۶۵ -
- عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc.
- عنوان و نام پدیدآور : حقوق خانواده/ مولف علی اصغر دل‌زنده‌روی.
- مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۳۵۰ ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۵۲-۱
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۵۸ - ۳۶۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : حقوق خانواده -- ایران
- Domestic relations -- Iran
- زناشویی -- قوانین و مقررات -- ایران
- Marriage law -- Iran
- رده بندی کنگره : KMH۵۴۰
- رده بندی دیویی : ۵۵۰۱۵/۳۴۶
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۲۷۶۲۶
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا
- نام کتاب : حقوق خانواده
- ناشر : چتر دانش
- مؤلفان : علی اصغر دل‌زنده‌روی
- نوبت و سال چاپ : اول - ۱۴۰۱
- شمارگان : ۵۰۰
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۵۲-۱
- قیمت : ۱۱۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمیرری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۳۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسؤل انتشارات چتر دانش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ
وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»

(آیه یک سوره نساء)

«ای مردم! از مخالفت پروردگارتان پرهیزید! همان خدایی که همگی
را از یک انسان آفرید، و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد، و از
آن دو، مردان و زنان بسیاری (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی
پرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید، و) هنگامی که چیزی از
یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) بستگان
خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، ناظر شماست.»

۱۹ مقدمه
۲۱ بخش اول - نکاح
۲۳ فصل اول - جایگاه نکاح
۲۴ مبحث اول - ماهیت نکاح
۲۴ گفتار اول - شناسایی نکاح
۲۴ بند اول - مفهوم نکاح
۲۵ الف - مفهوم لغوی
۲۵ ب - مفهوم اصطلاحی
۲۷ بند دوم - انواع نکاح
۲۸ الف - نکاح‌های صحیح
۲۸ ۱ - نکاح دائم
۲۸ ۲ - نکاح موقت
۲۸ ۱ - ۲ - ۱ - مفهوم نکاح موقت
۳۰ ۲ - ۲ - ۲ - مشروعیت نکاح موقت
۳۱ ۲ - ۳ - شرایط اختصاصی نکاح موقت
۳۲ ۲ - ۴ - بررسی نکاح‌های خاص موقت
۳۲ ۲ - ۴ - ۱ - نکاح دختر باکره
۳۳ ۲ - ۴ - ۲ - نکاح موقت نود و نه ساله
۳۳ ۳ - تفاوت نکاح دائم و موقت
۳۳ ۳ - ۱ - ارث
۳۴ ۳ - ۲ - عده
۳۵ ۳ - ۳ - نفقه
۳۵ ۳ - ۴ - مهریه
۳۶ ۳ - ۵ - انحلال نکاح
۳۷ ۳ - ۶ - عدم محدودیت
۳۷ ۳ - ۷ - ثبت نکاح
۳۸ ۳ - ۸ - مدت
۳۹ ۳ - ۹ - امکان رجوع در عده
۳۹ ب - انواع نکاح‌های باطل
۴۰ ۱ - نکاح مسیار
۴۱ ۲ - نکاح شغار

۴۲	۳- ازدواج سفید.....
۴۳	۴- ازدواج با نیت طلاق.....
۴۳	ج- خصایص عقد نکاح.....
۴۴	۱- عدم امکان اقاله.....
۴۴	۲- عدم امکان تعلیق.....
۴۴	۳- عدم امکان انعقاد از طریق معاطات.....
۴۵	۴- لزوم دلالت صریح الفاظ.....
۴۵	۵- عدم امکان درج خیار فسخ.....
۴۵	۶- تعیین دادگاه خاص (دادگاه خانواده).....
۴۷	۷- شمول قوانین نسبت به اتباع.....
۴۸	بند سوم- اوصاف عقد نکاح.....
۴۸	الف- نکاح عقدی است رضایی.....
۴۸	ب- نکاح عقدی است غیرمالی.....
۴۹	ج- نکاح عقدی است دائمی.....
۵۰	د- نکاح عقدی است مستمر.....
۵۰	هـ- نکاح عقدی است اخلاقی.....
۵۱	و- نکاح عقدی است اجتماعی.....
۵۲	ی- نکاح عقدی است ارشادی.....
۵۳	بند چهارم- اصول حاکم بر عقد نکاح.....
۵۳	الف- اصل صحت نکاح.....
۵۳	ب- اصل انحصاری بودن نکاح.....
۵۴	ج- محدود شدن دامنه اصل آزادی قراردادی.....
۵۵	د- اصله اللزوم.....
۵۶	مبحث دوم- خواستگاری و نامزدی.....
۵۶	گفتار اول- خواستگاری.....
۵۶	بند اول- مفهوم خواستگاری.....
۵۶	بند دوم- شرایط خواستگاری.....
۵۷	الف- بررسی مخفیانه بودن خواستگاری.....
۵۸	ب- خواستگاری از دختر غیر بالغ.....
۵۹	بند سوم- آثار خواستگاری.....
۵۹	الف- خواستگاری از زنان دارای موانع.....
۵۹	ب- رجوع از خواستگاری.....

۶۰	ج- خواستگاری زن از مرد.....
۶۰	د- تعهدات ناشی از خواستگاری.....
۶۱	گفتار دوم- نامزدی.....
۶۱	بند اول- ماهیت نامزدی (وعدّه نکاح).....
۶۲	الف- مواعده.....
۶۲	ب- تعهد حقوقی.....
۶۴	بند دوم- روابط حقوقی نامزدها.....
۶۶	بند سوم- استرداد اموال و مطالبه خسارت.....
۶۶	الف- استرداد اموال.....
۶۶	۱- اموال قابل استرداد.....
۶۷	۲- اموال مصرف‌شدنی.....
۶۷	۳- اموال باقی‌ماندنی.....
۶۷	۴- استردادنامه، فیلم، عکس.....
۶۸	ب- تشریفات استرداد.....
۷۰	ج- مطالبه خسارت.....
۷۳	فصل دوم- انعقاد و اعتبار نکاح.....
۷۵	مبحث اول- شرایط نکاح.....
۷۵	گفتار اول- شرایط انعقاد عقد.....
۷۶	بند اول- اراده.....
۷۷	الف- لزوم اراده.....
۷۸	ب- ابراز اراده.....
۸۰	ج- شرایط اراده.....
۸۰	۱- امکان تقدم قبول بر ایجاب.....
۸۰	۲- عدم لزوم عربیت.....
۸۰	۳- لزوم توالی عرفی میان ایجاب و قبول.....
۸۲	۴- عدم لزوم ذکر صیغه خاص.....
۸۲	۵- عدم لزوم شهادت.....
۸۳	۶- غیرالزامی بودن ثبت.....
۸۳	د- عیوب اراده.....
۸۴	۱- اشتباه.....
۸۵	۲- اکراه.....
۸۵	۲- ۱- مفهوم اکراه.....

۸۶	۲-۲- شرایط اکراه.....
۸۷	ه- طرق انعقاد عقد.....
۸۸	۱- انعقاد عقد اصالتاً.....
۸۹	۲- انعقاد عقد وکالتاً.....
۸۹	۳- امکان انعقاد نکاح به وکالت.....
۹۰	۴- نکاح فضولی.....
۹۲	۵- تزویج نمودن زوجه توسط وکیل.....
۹۴	بند دوم- اهلیت.....
۹۴	الف- بلوغ.....
۹۴	۱- لزوم بلوغ.....
۹۶	۲- ضمانت اجرای فقدان بلوغ.....
۹۶	۳- ضمانت اجرای حقوقی.....
۹۷	۴- ضمانت اجرای کیفری.....
۹۹	ب- رشد.....
۱۰۰	ج- عقل.....
۱۰۱	د- اذن ولی.....
۱۰۱	۱- لزوم اذن ولی.....
۱۰۲	۲- شرایط اذن ولی.....
۱۰۶	و- اختلاف جنس.....
۱۰۷	ه- کسب اذن دولت در مورد بیگانگان.....
۱۰۷	۱- لزوم کسب اذن.....
۱۰۷	۲- اقسام ازدواج با بیگانگان.....
۱۰۸	۳- ضمانت اجرای عدم اخذ اذن.....
۱۰۹	بند سوم- موضوع نکاح.....
۱۱۰	بند چهارم- مشروعیت داشتن جهت نکاح.....
۱۱۱	مبحث دوم- موانع نکاح.....
۱۱۲	گفتار اول- کفر.....
۱۱۲	بند اول- نکاح زن مسلمان با غیرمسلمان.....
۱۱۳	بند دوم- نکاح مرد مسلمان با زن غیرمسلمان.....
۱۱۴	گفتار دوم- لعان.....
۱۱۴	بند اول- مفهوم لعان.....
۱۱۴	بند دوم- آثار لعان.....

۱۱۶	گفتار سوم- احرام.....
۱۱۶	گفتار چهارم- مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق.....
۱۱۷	بند اول- سه طلاق.....
۱۱۸	بند دوم- نه طلاق.....
۱۲۰	گفتار پنجم- قرابت.....
۱۲۱	بند اول- قرابت نسبی.....
۱۲۳	بند دوم- قرابت سببی.....
۱۲۴	گفتار ششم- منع جمع بین دو خواهر.....
۱۲۵	گفتار هفتم- نکاح با دختر برادر زن یا دختر خواهر زن.....
۱۲۶	گفتار هشتم- قرابت رضاعی.....
۱۲۸	گفتار نهم- عدّه زن.....
۱۲۸	گفتار دهم- استیفاء عدد.....
۱۳۰	گفتار یازدهم- داشتن همسر.....
۱۳۰	بند اول- موانع زن شوهردار.....
۱۳۱	بند دوم- موانع مرد دارای همسر.....
۱۳۲	گفتار دوازدهم- زنا.....
۱۳۳	گفتار سیزدهم- لواط.....
۱۳۵	فصل سوم- آثار نکاح.....
۱۳۷	مبحث اول- تعهدات زوجین.....
۱۳۷	گفتار اول- حقوق و تکالیف مشترک زوجین.....
۱۳۸	بند اول- تشدید مبانی خانواده.....
۱۴۰	بند دوم- حسن معاشرت.....
۱۴۰	الف- مفهوم حسن معاشرت.....
۱۴۲	ب- ضمانت اجرای عدم حسن معاشرت.....
۱۴۳	بند سوم- وفاداری.....
۱۴۴	گفتار دوم- حقوق و تکالیف اختصاصی زوجین.....
۱۴۵	بند اول- حقوق زوجه.....
۱۴۶	الف- استقلال مالی.....
۱۴۶	ب- مهریه.....
۱۴۶	۱- مفهوم مهریه.....
۱۴۷	۲- مهریه در ادیان الهی.....
۱۴۹	۳- ماهیت مهریه.....

۱۵۱	۴- اقسام مهریه.....
۱۵۱	۴- ۱- مهر المسمی.....
۱۵۴	۴- ۲- مهر المتعه.....
۱۵۵	۴- ۳- مهرالمثل.....
۱۵۶	۴- ۳- ۱- تعیین نکردن مهر.....
۱۵۷	۴- ۳- ۲- بطلان مهریه.....
۱۵۷	۴- ۳- ۳- اعمال فسخ نسبت به مهریه.....
۱۵۸	۴- ۳- ۴- بطلان نکاح.....
۱۵۸	۴- ۳- ۵- زوال بکارت بدون رضایت توسط غیر همسر.....
۱۵۹	۵- شرایط مهریه.....
۱۵۹	۵- ۱- مالیت داشتن مهریه.....
۱۶۰	۵- ۲- نفع عقلائی.....
۱۶۰	۵- ۳- قابل تسلیم بودن مال.....
۱۶۲	۵- ۴- قابل تملک بودن مال.....
۱۶۲	۵- ۵- مالک بودن.....
۱۶۲	۵- ۶- معلوم و معین بودن.....
۱۶۳	۵- ۶- ۱- تعیین مهر توسط زوج.....
۱۶۳	۵- ۶- ۲- تعیین مهر توسط زوجه.....
۱۶۳	۵- ۶- ۳- تعیین مهر توسط شخص ثالث.....
۱۶۴	۵- ۷- حق حبس مهریه.....
۱۶۵	۵- ۷- ۱- مفهوم حق حبس.....
۱۶۵	۵- ۷- ۲- مبنای حق حبس.....
۱۶۶	۵- ۷- ۳- شرایط ایجاد حق حبس.....
۱۶۶	۵- ۷- ۳- ۱- حال بودن مهر.....
۱۶۸	۵- ۷- ۳- ۲- عدم ایفاء وظایف زناشویی.....
۱۷۰	۵- ۷- ۴- دامنه حق حبس.....
۱۷۰	۵- ۷- ۴- ۱- نظریه تمکین خاص.....
۱۷۰	۵- ۷- ۴- ۲- تمکین عام و تمکین خاص.....
۱۷۲	۶- تعدیل مهریه.....
۱۷۴	۷- مطالبه مهریه.....
۱۷۶	۷- ۱- مطالبه از طریق دادگاه.....
۱۷۷	۷- ۱- ۱- صلاحیت ذاتی.....

۱۷۹	۱-۷-۲- صلاحیت نسبی
۱۸۲	۷-۲- مطالبه از طریق اجرای ثبت
۱۸۲	۸- عدم پرداخت مهر و طلاق
۱۸۳	۹- تأثیر بطلان مهر بر نکاح
۱۸۴	۱۰- انحلال نکاح و مهریه
۱۸۷	۱۱- عدم استحقاق مهریه
۱۸۸	۱۲- تأثیر بطلان نکاح بر مهریه
۱۸۹	ج- نفقه
۱۸۹	۱- مفهوم نفقه
۱۹۰	۲- معیار نفقه
۱۹۱	۳- تمییز نفقه زوجه از نفقه اقارب
۱۹۲	۴- فلسفه نفقه
۱۹۲	۵- ماهیت نفقه
۱۹۳	۶- زمان استحقاق نفقه
۱۹۳	۷- شرایط نفقه
۱۹۵	۸- رابطه نفقه و اشتغال زوجه
۱۹۶	۹- عدم پرداخت نفقه
۱۹۶	۱۰- ضمانت اجرای حقوقی
۱۹۷	۱۱- ضمانت اجرای کیفری
۲۰۰	۱۲- اثبات نفقه
۲۰۰	۱۳- تأثیر انحلال نکاح بر نفقه
۲۰۱	۱-۱۳- طلاق
۲۰۱	۲-۱۳- تغییر جنسیت
۲۰۱	۳-۱۳- فسخ
۲۰۲	۴-۱۳- ارتداد
۲۰۲	۵-۱۳- فوت
۲۰۲	د- جهیزیه
۲۰۵	و- اجرت المثل
۲۰۷	ه- نحله
۲۰۷	۱- مفهوم نحله
۲۰۸	۲- شرایط نحله
۲۰۹	ی- هدایای عروسی

۲۱۰	بند دوم- حقوق زوج
۲۱۰	الف- ریاست بر خانواده
۲۱۰	۱- مفهوم ریاست بر خانواده
۲۱۲	۲- مبنای ریاست بر خانواده
۲۱۳	۳- آثار ریاست مرد بر خانواده
۲۱۶	ب- تعیین مسکن
۲۱۶	۱- مفاد حق تعیین مسکن
۲۱۷	۲- محدود شدن حق تعیین مسکن زوج
۲۱۹	ج- مخالفت با اشتغال زوجه
۲۱۹	۱- مفهوم مخالفت با اشتغال زوجه
۲۲۱	۲- توافق بر اشتغال زوجه
۲۲۳	۳- منع زوجه و مطالبه خسارت
۲۲۴	۴- تمکین زوجه
۲۲۴	۴-۱- اقسام تمکین
۲۲۵	۴-۲- تمکین خاص
۲۲۶	۴-۳- تمکین در معنای عام
۲۲۶	۴-۴- ضمانت اجرای عدم تمکین
۲۲۹	مبحث دوم- شروط ضمن عقد نکاح
۲۳۱	گفتار اول- شروط عمومی
۲۳۱	بند اول- شروط باطل و غیر مبطل
۲۳۱	الف- شرط غیرمقدور
۲۳۲	ب- شرطی که فاقد نفع و فایده است
۲۳۲	ج- شرط نامشروع
۲۳۲	بند دوم- شرط باطل و مبطل
۲۳۳	الف- شرط خلاف مقتضای ذات عقد
۲۳۳	ب- شرط مجهول که موجب جهل به عوضین شود
۲۳۳	۱- شرط فعل
۲۳۴	۲- شرط صفت
۲۳۴	۳- شرط نتیجه
۲۳۵	گفتار دوم- شروط ویژه نکاح
۲۳۵	بند اول- شرط عدم ازدواج مجدد
۲۳۶	الف- مفاد شرط عدم ازدواج

۲۳۶	ب- صحت و اعتبار شرط
۲۳۶	۱- صحت
۲۳۷	۲- بطلان
۲۳۷	۳- برآیند
۲۳۸	ج- ضمانت اجرای تخلف از شرط
۲۳۸	۱- بطلان
۲۳۹	۲- عدم نفوذ
۲۳۹	۳- صحت عقد
۲۳۹	بند دوم- شرط وکالت در طلاق
۲۴۲	بند سوم- شرط اشتراک در دارایی‌ها
۲۴۲	الف- مفاد شرط اشتراک در دارایی‌ها
۲۴۳	ب- شرایط شرط اشتراک در دارایی‌ها
۲۴۴	بند چهارم- شرط عدم مقاربت
۲۴۴	الف- نظریه بطلان
۲۴۵	ب- نظریه صحت
۲۴۶	بند پنجم- شرط عدم مهر
۲۴۷	بند ششم- شرط استطاعت در پرداخت مهریه
۲۴۹	بخش دوم- انحلال نکاح
۲۵۱	فصل اول- طلاق
۲۵۳	مبحث اول- جایگاه طلاق
۲۵۳	گفتار اول- مفهوم طلاق
۲۵۴	گفتار دوم- ماهیت طلاق
۲۵۵	گفتار سوم- تفاوت فسخ و طلاق
۲۵۵	گفتار چهارم- اقسام طلاق
۲۵۷	بند اول- طلاق رجعی
۲۵۷	بند دوم- طلاق بائن
۲۶۱	مبحث دوم- شرایط طلاق
۲۶۱	گفتار اول- شرایط طلاق دهنده
۲۶۱	بند اول- اراده
۲۶۴	بند دوم- اهلیت
۲۶۴	بند سوم- معین بودن زوجه

۲۶۵	گفتار دوم- شرایط مطلقه.....
۲۶۵	گفتار سوم- شرایط شکلی.....
۲۶۶	بند اول- لزوم حکم دادگاه.....
۲۶۶	الف- ضرورت درخواست احد زوجین.....
۲۶۶	ب- لزوم رسیدگی دادگاه.....
۲۶۷	ج- ضرورت تصمیم دادگاه.....
۲۷۰	بند دوم- لزوم داوری.....
۲۷۱	بند سوم- لزوم اجرای صیغه.....
۲۷۱	الف- لزوم عدالت شهود.....
۲۷۲	ب- لزوم استماع صیغه توسط شهود.....
۲۷۲	ج- مرد بودن شهود.....
۲۷۴	بند چهارم- لزوم ثبت طلاق.....
۲۷۶	مبحث سوم- موارد طلاق.....
۲۷۶	گفتار اول- موارد طلاق به درخواست زوج.....
۲۷۸	گفتار دوم- موارد طلاق به درخواست زوجه.....
۲۸۰	بند اول- عسر و حرج.....
۲۸۰	الف- مفهوم عسر و حرج.....
۲۸۰	ب- مبنای عسر و حرج.....
۲۸۲	ج- مصادیق عسر و حرج.....
۲۸۵	د- شرایط عسر و حرج.....
۲۸۶	بند دوم - عدم پرداخت نفقه.....
۲۸۸	بند سوم - غیبت شوهر.....
۲۸۹	بند چهارم- وکالت در طلاق.....
۲۹۱	گفتار سوم- طلاق توافقی.....
۲۹۴	مبحث چهارم- آثار طلاق.....
۲۹۴	گفتار اول- آثار طلاق نسبت به زوجین.....
۲۹۴	بند اول- آثار طلاق رجعی.....
۲۹۴	الف- انحلال نکاح.....
۲۹۴	۱- قطع رابطه زوجیت.....
۲۹۵	۲- پایان ریاست مرد بر خانواده.....
۲۹۵	۳- عدم ارث‌بری زوجین از یکدیگر.....
۲۹۶	ب- امکان رجوع از طلاق تا پایان عده.....

۲۹۸	بند دوم- آثار طلاق بائن.....
۲۹۸	گفتار دوم- آثار طلاق نسبت به اولاد.....
۲۹۹	بند اول- حضانت.....
۳۰۲	بند دوم- نفقه.....
۳۰۳	بند سوم- ملاقات.....
۳۰۵	فصل دوم- فسخ.....
۳۰۶	مبحث اول- جایگاه فسخ نکاح.....
۳۰۶	گفتار اول- مبنای فسخ.....
۳۰۸	گفتار دوم- شرایط فسخ.....
۳۱۰	مبحث دوم- قواعد عمومی فسخ.....
۳۱۰	گفتار اول- فوریت فسخ.....
۳۱۱	گفتار دوم- اسقاط فسخ.....
۳۱۲	گفتار سوم- غیر تشریفاتی بودن فسخ.....
۳۱۳	گفتار چهارم- غیرقابل انتقال بودن خیار.....
۳۱۴	مبحث سوم- انواع خیارات.....
۳۱۴	گفتار اول- خیار تدلیس.....
۳۱۴	بند اول- مفهوم تدلیس.....
۳۱۵	بند دوم- تمایز خیار تدلیس از خیارات مشابه.....
۳۱۶	ب- خیار تدلیس و خیار تخلف از وصف.....
۳۱۷	بند سوم- تدلیس ثالث.....
۳۱۸	بند چهارم- ترک فعل و تدلیس.....
۳۱۹	بند پنجم- خسارت ناشی از تدلیس.....
۳۲۰	بند ششم- خیار تدلیس و مهریه.....
۳۲۲	گفتار دوم- خیار تخلف از شرط صفت.....
۳۲۲	بند اول- مفهوم خیار تخلف از شرط صفت.....
۳۲۲	بند دوم- شرایط خیار تخلف از شرط صفت.....
۳۲۳	بند سوم- بررسی مصادیقی خاص.....
۳۲۳	الف- صرع.....
۳۲۴	ب- اعتیاد.....
۳۲۴	ج- ذکر سن غیرواقعی.....
۳۲۵	د- ازدواج پیشین.....
۳۲۶	ه- عدم بکارت زوجه.....

۳۲۷	گفتار سوم - خیار عیب
۳۲۷	بند اول - عیوب مشترک
۳۲۹	بند دوم - عیوب اختصاصی
۳۲۹	الف - عیوب مرد
۳۳۰	۱ - عنن
۳۳۲	۲ - خصاء
۳۳۲	۳ - مقطوع بودن آلت
۳۳۳	ب - عیوب زن
۳۳۳	۱ - قرن
۳۳۳	۲ - جذام
۳۳۳	۳ - افشاء
۳۳۴	۴ - برص
۳۳۴	۵ - نابینایی
۳۳۴	۶ - زمین‌گیری
۳۳۵	فصل سوم - عدّه
۳۳۶	مبحث اول - مفهوم عدّه
۳۳۹	مبحث دوم - اقسام عدّه
۳۳۹	گفتار اول - عدّه طلاق
۳۴۰	گفتار دوم - عدّه وفات
۳۴۱	گفتار سوم - عدّه فسخ
۳۴۲	گفتار چهارم - عدّه بذل مدت و انقضاء مدت
۳۴۳	منابع و مأخذ

فهرست نشانه‌های اختصاری

هـ.ق: هجری قمری
هـ.ش: هجری شمسی
م: میلادی
بی‌تا: بدون تاریخ
بی‌چا: بدون نوبت چاپ
بی‌جا: بدون مکان چاپ
بی‌نا: بدون ناشر
ر.ک: رجوع کنید
ص: صفحه
صص: صفحات
ج: جلد
چ: چاپ
م: میلادی
ق.ا: قانون اساسی
ق.ک: قانون کار
ق.ا.ا.م: قانون اجرای احکام مدنی
ق.آ.د.م: قانون آیین دادرسی مدنی
ق.آ.د.ک: قانون آیین دادرسی کیفری
ق.م.م: قانون مسئولیت مدنی
ق.م: قانون مدنی
ق.ا.ح: قانون امور حسبی
ق.ت: قانون تجارت
ق.ح.خ: قانون حمایت خانواده
ق.م.ا: قانون مجازات اسلامی
ق.ث.ا: قانون ثبت احوال
ق.ن.ا.م.م: قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی
همان: همان منبع قبلی

ED: Edition

N: Number

P: Page

PP: Pages

Ibid: Aforementioned

من و جام می و معشوق، الباقی اضافات است
اگر هستی که بسم الله، در تأخیر آفات است
مرا محتاج رحم این و آن کردی، ملالی نیست
تو هم محتاج خواهی شد، جهان دار مکافات است
ز من اقرار با اجبار می‌گیرند، باور کن
شکایت‌های من از عشق ازین دست اعترافات است
میان خضر و موسی چون فراق افتاد، فهمیدم
که گاهی واقعیت با حقیقت در منافات است
اگر در اصل، دین حب است و حب در اصل، دین، بی‌شک
به جز دلداری هر مذهبی، مثنی خرافات است...

فاضل نظری

این اثر را به همسر م که در نگارش آن نقش بسزایی داشته تقدیم می‌کنم.

مقدمه

انسان به عنوان موجودی اجتماعی، به دنبال تأمین نیازهای خویش است. انعقاد عقود و قراردادهای یکی از طرق برطرف کردن نیازها می‌باشد. هر قراردادی، نیازی را برطرف می‌سازد، در پرتو عقد اجاره، مستأجر می‌تواند با پرداخت اجاره بها به موجر، از مالی که مالک آن نیست استیفای منفعت کند، بدهکار (مقترض) می‌تواند مالی را از دیگری (مقرض) قرض بگیرد و متعهد به پرداخت آن در آینده شود و ...

نیازهای انسان صرفاً محدود به نیازهای مالی و مادی نمی‌شود. زندگی مشترک، محبت، وفاداری، امور عاطفی، نیازهای جنسی و... از جمله نیازهایی هستند که در پرتو زندگی مشترک با شخص دیگر تأمین می‌شود. عقد نکاح شکل مشروع و قالب پذیرفته شده تأمین نیاز مزبور است. این عقد چارچوبی است که زوجین می‌توانند نیازهای خویش به تولید نسل، زندگی مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز را تأمین کنند. موضوع این عقد، خود انسان‌ها هستند. در متون حقوقی و مذهبی تأکید فراوانی بر لزوم انعقاد این عقد، تداوم و استمرار آن شده است. قانون مدنی ایران ساختاری کهن دارد. قانون‌گذار عقد نکاح را از سایر عقود و قراردادهای تفکیک نموده است. بسیاری از مسائل موجود در آن را نمی‌توان با قواعد عمومی قراردادهای تحلیل نمود. در حال حاضر در حوزه حقوق خانواده علاوه بر مقررات قانون مدنی در حوزه نکاح قانون حمایت از خانواده نیز وجود دارد. قانون مزبور نخستین بار در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۳ دچار تحولات فراوانی شد. در نهایت در سال ۱۳۹۲ قانون جدید حمایت از خانواده، جایگزین قوانین پیشین شد.

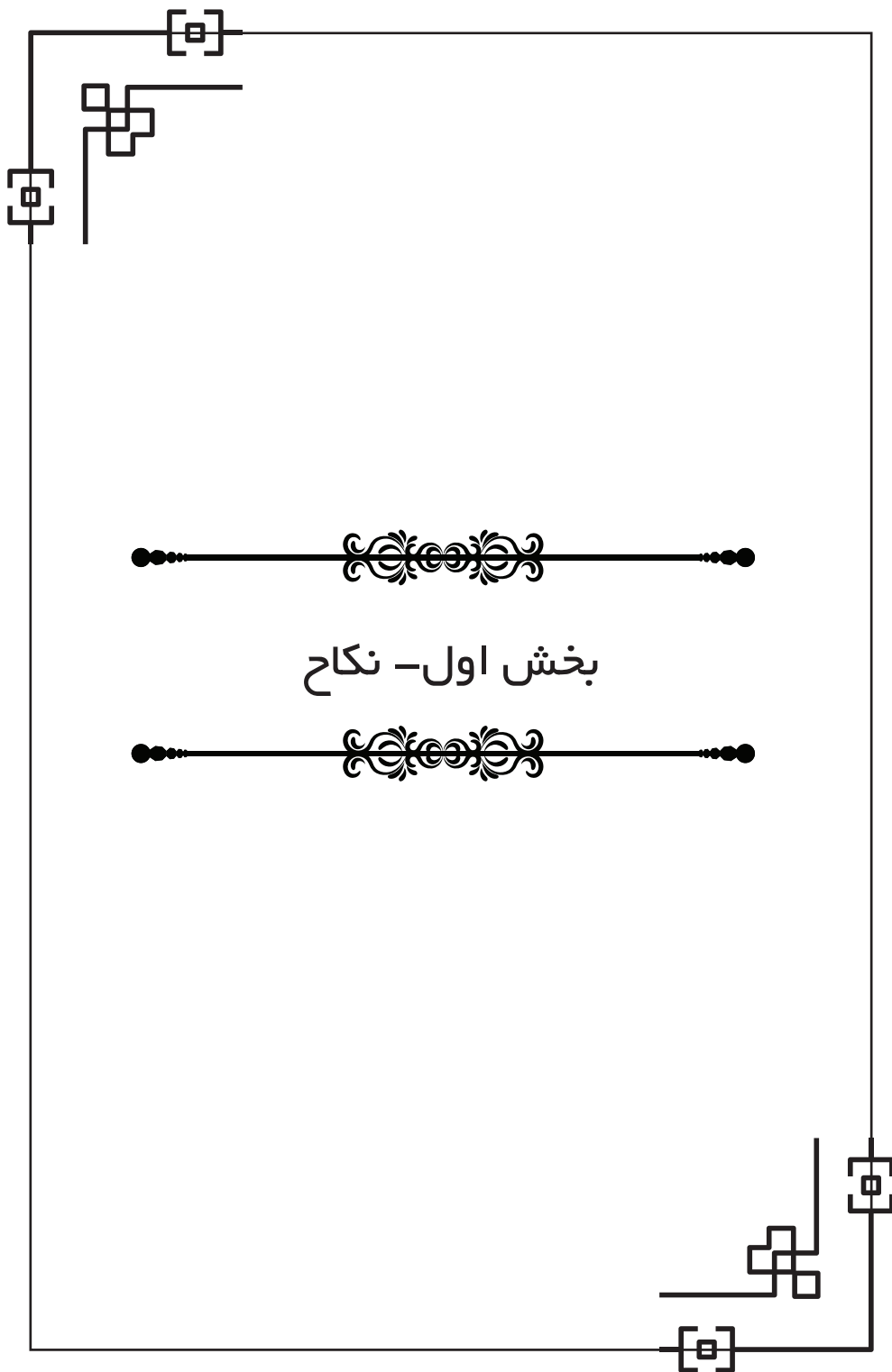
پاسداری از سنت‌های حاکم بر خانواده، موجب حفظ کیان خانواده می‌شود. اگرچه در قانون مزبور، تا حدی حقوقی برای اطفال در نظر گرفته شده است، ولی چنین مواردی کافی به نظر

نمی‌رسد. قانون مذکور بیشتر به دنبال حمایت از حقوق زنان است تا حقوق اطفال و حفظ چارچوب خانواده. در این قانون، حقوقی ویژه به زوجه اعطاء شده است که در قوانین پیشین سابقه نداشته است.

زوجه می‌تواند در محل اقامتگاه خویش اقدام به طرح دعوا کند، بی‌آنکه نیازی به مراجعه به اقامتگاه زوج داشته باشد. امکان اخذ دستور موقت در موارد خاصی اعطاء شده است و... این نوشتار در دو بخش، مسائل مربوط به نکاح و انحلال آن را مورد بررسی قرار داده است. در بخش نخست، نکاح مورد تحلیل قرار گرفته است. مراحل مختلف نکاح از قبیل فراهم آوردن زمینه‌های انعقاد عقد از قبیل خواستگاری، نامزدی، انعقاد و اعتبار عقد، آثار عقد و شروط ضمن عقد از مباحث این بخش است و در بخش دوم به انحلال نکاح پرداخته شده است. در این بخش، ضمن بررسی تفصیلی اقسام طرق انحلال نکاح (اعم از فسخ و طلاق) به تبیین آثار اعمال هر یک از موارد مذکور پرداخته شده است. در نهایت از کلیه بزرگوارانی که رهنمودها و راهنمایی‌هایی را در نگارش این اثر ارائه دادند نهایت تقدیر، تشکر و سپاسگزاری را دارم. امید است این نوشتار مورد قبول جامعه حقوقی کشور (اعم از وکلا، قضات و سردفتران) قرار بگیرد.

دکتر علی اصغر دل زنده روی

زمستان ۱۴۰۰



خانواده نخستین خواستگاه انسان است. هنگامی که بشر پا به عرصه هستی در این دنیا می‌گذارد، با افرادی تحت عنوان پدر، مادر، برادر و خواهر مرادده و ارتباط می‌نماید. اجتماع افراد مزبور در یک نهاد غیر همگن، (تحت عنوان خانواده) مستلزم تبیین قواعدی است. بی‌گمان، احساسات، عواطف، معاشرت، مرادده و... بخش‌هایی از روابط اعضای خانواده است. علم حقوق اعضای مزبور را به صداقت، عدم افشاء اسرار، حسن نیت و انصاف دعوت می‌کند. با وجود این، خانواده نمی‌تواند اسیر امور اخلاقی بماند. هدایت، مدیریت و رشد آن مستلزم قواعد حقوقی است. قواعد مزبور بر جامعه حاکم می‌شود و با تبیین مرز اختیارات و دامنه تکالیف، نظام خانواده را ضابطه‌مند می‌نماید.

خانواده زاینده عقدی تحت عنوان «نکاح» است. در حقوق هر کشوری قانون‌گذار ضوابطی را تحت عنوان عقد نکاح تبیین کرده است. هرچند نکاح عقدی از عقود معین است، اما در تمامی موارد نمی‌تواند از قواعد حقوق قراردادهای پیروی نماید. قانون‌گذار در تمامی موارد راه‌حلی میانه را اتخاذ می‌کند. اعمال قواعد حقوق قراردادهای را اصل قرار می‌دهد و استثنائاتی را بر آن مقرر می‌نماید.

مقررات قانون مدنی در باب نکاح و انحلال آن متأثر از فقه است. قانون‌گذار در تبیین بسیاری از قواعد قانونی همچون قواعد حاکم بر عقود و قراردادهای، قواعد حاکم بر اهلیت و... از مقررات حقوق اروپایی و حقوق خارجی استفاده نموده است، لیکن در باب حقوق خانواده و نکاح، از فقه و عرف اسلامی تبعیت نموده است. چنین امری را می‌توان گام مثبت نویسندگان قانون مدنی دانست. آن‌ها به فراست و زیرکی دریافته‌اند که در جامعه، مردم احترامی ویژه به نکاح و ازدواج می‌گذارند و آن را امری مقدس می‌پندارند. چنانچه در این خصوص از قواعد حقوق خارجی پیدا می‌کردند، مقررات مزبور و صلح‌عاریتی پیدا می‌نمود و با عرف جامعه در تعارض می‌شد. عرف اسلامی از دیرباز در جامعه در جریان بوده و مردم به دیده احترام به آن می‌نگریستند (همانند محدودیت ازدواج با محارم). با تصویب قانون مدنی بسیاری از عرف‌های مزبور به قانون مدنی وارد شد.

نکاح را نمی‌توان با عقود دیگر مقایسه نمود. شهروندان از انعقاد این عقد بی‌نیاز نیستند. بسیاری از نیازهای انسانی از قبیل محبت، وفاداری، معاضدت و... در پرتو این عقد تجلی پیدا می‌نماید. نظر به اهمیت این عقد در اجتماع، در حقوق بسیاری از کشورها مقررات ویژه‌ای را به این عقد اختصاص داده‌اند. قانون‌گذار ایرانی نیز در دو باب، نکاح و انحلال آن را مورد تبیین قرار داده است.

این بخش، مشتمل بر سه فصل است، در فصل اول ماهیت نکاح، در فصل دوم انعقاد و اعتبار نکاح و در فصل سوم آثار نکاح را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فصل اول - جایگاه نکاح

عقد نکاح جلوه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد. طبیعت و سرشت انسان مبتنی بر ازدواج و زندگی مشترک است. در این عقد، متعاقدين به دنبال دادوستد اقتصادی نیستند. آن‌ها با هدف برنامه‌ریزی برای زندگی مشترک در آینده مبادرت به مقدمه‌چینی می‌نمایند. بی‌گمان، آن‌ها مراحل متعددی از قبیل خواستگاری، نامزدی، انعقاد عقد و... را طی می‌کنند. حقوق خانواده بر تحلیل و تبیین ابعاد حقوقی این مراحل می‌پردازد. شکی نیست، تا زمانی که جایگاه حقوقی امری مورد تحلیل و بررسی قرار نگیرد، امکان بررسی ابعاد حقوقی آن امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر تا زمانیکه ماهیت، اوصاف، ارکان و انواع عقد نکاح مورد تبیین قرار نگیرد، امکان تحلیل تفصیلی آثار نکاح، حقوق و تکالیف زوجین، شروط ضمن عقد و... وجود ندارد. در قانون مدنی ایران فصل و عنوانی تحت عنوان «جایگاه نکاح» وجود ندارد. بسیاری از مسائلی که در این خصوص تبیین گردیده است توسط حقوق‌دانان و صاحب‌نظران بیان شده است. اوصاف این عقد را می‌توان از طریق استقراء در مواد قانونی تحصیل نمود. برخی از مباحث از قبیل نامزدی و خواستگاری مباحثی ناقص هستند و تحلیل تفصیلی آن‌ها صرفاً از طریق استعانت از قواعد حقوقی دیگر (از قبیل قاعد حاکم بر مسئولیت مدنی) امکان‌پذیر است.

این فصل تحت عنوان جایگاه نکاح مشتمل بر دو مبحث می‌باشد که آنرا تحلیل و بررسی

می‌نمائیم:

مبحث اول - ماهیت نکاح

تحلیل ابعاد حقوقی هر امر مستلزم تبیین ماهیت حقوقی آن است. تا زمانی که ماهیت آن به نحو بایسته و شایسته مورد شناسایی قرار نگیرد، امکان بررسی ابعاد حقوقی آن امکان پذیر نخواهد بود. نکاح نیز از این قاعده مستثنی نیست. آنچه در بادی امری به نظر می‌رسد این است که نکاح، توافقی میان زوجین برای داشتن زندگی مشترک است. لیکن مذاقه در عقد نکاح و قواعد حاکم بر آن، دلالت بر این امر دارد که اگر چه نکاح، ماهیتاً عقد است اما از قواعد عام عقود در همه حال تبعیت نمی‌کند (نکاح غیرقابل اقاله است). شناسایی ذات و طبیعت حقوقی نکاح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر امکان تحلیل بسیاری از مسائل حقوقی را مطرح می‌سازد. (مثلاً آیا می‌توان در صورت تخلف از شرط نتیجه نکاح را فسخ کرد؟) تمامی این مسائل در پرتو شناسایی نکاح و اهداف انعقاد آن است. می‌دانیم بسیاری از سیاست‌هایی که قانون‌گذار آن را اتخاذ نموده به دلیل طبیعت خاص این عقد است. قانون‌گذار تا حدّ امکان، انحلال آن را محدود نموده است (امکان درج شرط فاسخ در این عقد وجود ندارد) و بر بقای عقد نکاح و عدم امکان انحلال آن تاکید داشته است (درمان عیوب موجب سقوط خیار فسخ می‌شود). اتخاذ سیاست‌های مزبور به دلیل اوصاف خاص عقد نکاح است.

بررسی و تحلیل ماهیت نکاح پرسش‌هایی را مطرح می‌کند:

آیا سکونت مشترک و برقراری رابطه زناشویی جزء لاینفک ماهیت نکاح را تشکیل می‌دهند؟
 آیا مهریه در نکاح دائم و نکاح موقت رکن عقد محسوب می‌شود؟ مستمر بودن ذات و طبیعت عقد نکاح چه آثاری را به دنبال دارد؟

گفتار اول - شناسایی نکاح

مراد از شناسایی عقد نکاح، تبیین مفهوم و معنای آن و بررسی اقسام آن می‌باشد. تمییز اقسام این عقد و تفکیک آن‌ها از یکدیگر گامی مهم در شناسایی این عقد است. بی‌گمان عقد نکاح دارای اوصاف و خصوصیات است که در عقود دیگر همتا ندارد. وجود خصوصیات مزبور، به این عقد جلوه خاصی می‌بخشد. در این قسمت، به بررسی و تحلیل موارد مزبور می‌پردازیم.

بند اول - مفهوم نکاح

نکاح دارای معنای لغوی و اصطلاحی است. بی‌گمان، معنای لغوی آن از معنای اصطلاحی

دور نیفتاده است. در این قسمت، به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی آن می‌پردازیم. در بند اول، مفهوم لغوی و در بند دوم مفهوم اصطلاحی را تبیین می‌کنیم.

الف - مفهوم لغوی

برای واژه نکاح معانی متعددی بیان شده است که ذیلاً به تبیین آن می‌پردازیم:

در فرهنگ‌های فارسی یکی از نویسندگان نکاح را زناشویی، عقد زناشویی، بستن عقد زناشویی معنی کرده است.^۱ در برخی فرهنگ‌های حقوقی به معنای به هم پیوستن، ضمیمه کردن، جمع کردن، پیوند نمودن، برقراری رابطه زناشویی آمده است.^۲ نزدیک‌ترین کلمه به کلمه نکاح، واژه ازدواج است که در لغت به معنای عقدی میان مرد و زن است. در مجموع نکاح به معنای اقتران، مخلوط نمودن و در کنار هم قرار دادن است.^۳

ب - مفهوم اصطلاحی

در قانون مدنی ایران نکاح تعریف نشده است. حقوق دانان و صاحب نظران تعاریفی را در این خصوص ارائه داده‌اند.

یکی از نویسندگان عقد نکاح را اینگونه تعریف می‌کند: التزامی بین مرد و زن به قصد معاشرت و عنوان زوجیت. مقتضی التزام آن‌ها نسبت به همدیگر مشارکت و تعاون در زندگی است.^۴ وی در یکی دیگر از آثار خویش، عقد نکاح را عقد معاشرت می‌داند. در این عقد هر یک از زوجین مکلف به حسن سلوک و معاشرت مستمر هستند. مواردی از قبیل ترک قانون خانواده، ترک مستمر انفاق، نشوز احد زوجین از مواردی است که مغایر حسن سلوک است. تکلیف زوج به دادن نفقه و مسکن است.^۵

یکی دیگر از نویسندگان عقد نکاح را چنین تعریف می‌کند: «عقدی است که به موجب آن زن و مردی، به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، با هم متحد می‌شوند.»^۶ یکی از نویسندگان از این جهت بر این تعریف ایراد نموده است که نکاح منقطع را در بر نمی‌گیرد.^۷

۱- عمید، حسن (۱۳۸۹هـ.ش)، فرهنگ فارسی عمید، راه رشد، ج اول، میلاد نور، تهران، ص ۲۰۲۸.

۲- انصاری، مسعود و طاهری محمد علی (۱۳۸۴هـ.ش)، دانش نامه حقوق خصوصی، ج ۳، ج اول، انتشارات مهربان فکر، تهران، ص ۲۰۸۰.

۳- المشکینی، حسین، (۱۴۱۹هـ.ق)، المصطلحات الفقه، ج اول، نشر هادی، قم، ص ۵۴۶.

۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷هـ.ش) اساس در قوانین مدنی: المدونه، انتشارات گنج و دانش، تهران، صص ۳۰۳ و ۲۸۵.

۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷هـ.ش)، اندیشه و ارتقا، ج اول، انتشارات گنج و دانش، تهران، ص ۱۱۸.

۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸هـ.ش)، حقوق خانواده، ج ۱، ج اول، شرکت سهامی انتشار، تهران، ص ۲۹.

۷- تقی زاده، ابرهیم و سحر علی پور (۱۳۹۵هـ.ش)، حقوق خانواده، انتشارات مجد، تهران، ص ۲۱.

نکاح پیوند رابطه‌ای اعتباری میان زوج و زوجین است که برطبق آن رابطه زوجیت شکل می‌گیرد و هریک از زوجین در برابر یکدیگر تعهداتی دارند. زوجه مالک مهر می‌شود و می‌تواند آن را مطالبه کند. زوج مکلف به پرداخت نفقه زوجه است. زوج می‌تواند تمکین را از زوجه درخواست کند و... .

مستنبط از این تعریف می‌توان ارکان عقد نکاح را زوجین و توافق آن‌ها بر ایجاد رابطه زوجیت برشمرد بر این اساس می‌توان گفت:

الف- زوجین عرفاً با یکدیگر در مکانی واحد زندگی مشترک دارند. لیکن باید پذیرفت سکونت مشترک جوهره عقد نکاح نیست. زوجین می‌توانند نکاحی را منعقد نمایند بی‌آنکه سکونت مشترک داشته باشند. مثلاً مراد آن‌ها از انعقاد عقد صرفاً رابطه محرمیت باشد، درصحت و اعتبار این عقد نمی‌توان تردید نمود.

ب- یکی از اهداف عمده عقد نکاح برقراری رابطه جنسی است. نکاح چارچوبی است که زوجین می‌توانند در آن حقوق خویش را اعمال کنند و به نحو مشروع و قانونی مبادرت به برقراری رابطه جنسی بپردازند. با وجود این، نباید چنین پنداشت که برقراری رابطه مزبور مقتضای ذات عقد نکاح است. این امکان وجود دارد که متعاقدين به دلیل بیماری خاصی توانایی برقراری رابطه جنسی را نداشته باشند و صرفاً به دنبال تأمین نیازهای روحی و معنوی خویش باشند. باید پذیرفت برقراری رابطه جنسی گرچه از اهداف اساسی عقد نکاح است، اما جزء ارکان آن نیست.

ج- تولید نسل و فرزنددار شدن معمولاً از اهداف مشترک زوجین در انعقاد عقد نکاح است. احساس پدری و مادری مطابق فطرت انسان است. عقد نکاح، قالبی است که انسان در پرتو آن می‌تواند نیاز مزبور را برآورده سازد. با اینحال، این امکان وجود دارد که متعاقدين علاقه‌ای به فرزنددار شدن نداشته باشند و یا بچه‌دار شدن برای آن‌ها متضمن خاطری باشد، در این حالت آن‌ها می‌توانند با توافق برعدم بچه‌دار شدن، عقد نکاح را منعقد کنند.

از مجموع موارد فوق می‌توان عقد نکاح را اینگونه تعریف نمود: نکاح میثاق یا پیوندی میان زوجین به منظور ایجاد رابطه زوجیت، برقراری رابطه زناشویی، تشکیل خانواده و زندگی مشترک می‌باشد.

د- برخی از فقها نکاح را ماهیتاً امری مرکب می‌دانند. زوجه در برابر استمتاع جنسی

مبادرت به دریافت مهریه می‌کند.

مهریه بخششی است که مرد در عقد نکاح به زوجه تملیک می‌کند. (همانند فرضی که مستأجر در برابر انتفاع از عین مستاجر اجاره‌بها را می‌پردازد. زوج در برابر بهره‌مندی جنسی از زوجه مبادرت به پرداخت مهریه می‌کند). مهریه حقی است که خداوند تبارک و تعالی به زوجه اعطاء نموده است. وجود آن در عقد ضروری است. در این مورد تفاوتی میان عقد دائم و موقت وجود ندارد. مهریه از قواعد عوض پیروی می‌کند. هرآنچه را که می‌توان عوض قرار داد می‌تواند مهر هم قرار داد. مهر می‌بایست دارای شرایط و ارکان عوض در معاملات باشد. (مالیت داشتن، معین بودن و...) با وجود این در شرع کاملاً از چنین نظریه‌ای پیروی نمی‌شود در مواردیکه مهر تعیین نمی‌شود، عقد باطل نیست و زوجه مستحق دریافت مهرالمثل است. این درحالی است که اگر مهریه عوض محسوب می‌شد عقد نکاح می‌بایست باطل گردید.^۱

باید پذیرفت ایجاد رابطه زوجیت و پیوندناشویی جزء لاینفک عقد نکاح است. زوجین نمی‌توانند برخلاف آن شرط نمایند. بهره‌وری و استمتاع جنسی هرچند در عقد نکاح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اما جزء رکن عقد نیست. زوجین می‌توانند چنین توافق کنند که رابطه جنسی میان آن‌ها برقرار نشود. در خصوص جایگاه مهر در عقد نکاح، می‌بایست میان نکاح دائم و موقت قائل به تفکیک شد. در نکاح دائم مهر جزء ارکان عقد نیست و زوجین می‌توانند در خصوص آن توافق نکنند ولی در نکاح منقطع مهر از ارکان نکاح است و عدم توافق بر آن موجب عدم انعقاد نکاح می‌شود.

بند دوم - انواع نکاح

در حقوق ایران و فقه امامیه عقد نکاح به دو عقد دائم و موقت تقسیم می‌شود. تقسیم‌بندی مزبور از حیث وجود یا عدم وجود مهلت و مدت در عقد نکاح است. این تفکیک، واجد آثار و احکامی است و لزوم مطالعه آن امری ضروری است. شکی نیست در هر موردی که از نکاح سخن به میان آید ظاهر نکاح دائم است نه موقت، مگر این که خلاف آن ثابت شود. تقسیم عقد نکاح به دائم و موقت به معنای خَلق شکل نوینی از نکاح نیست. بلکه مراد در نظر گرفتن نوع دیگری از عقد نکاح (تحت عنوان نکاح موقت) در کنار نکاح دائم است.

۱- السنند، محمد (۱۴۳۴هـ.ق) السنند العروه الوثقی (کتاب النکاح)، ج ۳، اول، الامیره للطباعة النشر و التوزیع، بیروت، ص ۱۵۰.

الف- نکاح‌های صحیح

در حقوق ایران صرفاً دو نوع نکاح به رسمیت شناخته شده است. این نکاح‌ها عبارت‌اند از نکاح دائم و نکاح موقت که ذیلاً به تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

۱- نکاح دائم

نکاح دائم، نکاحی است که در آن هیچ‌گونه زمانی قید نمی‌شود و به صورت مؤبد منعقد می‌شود. در نکاح، اصل بردائمی بودن عقد است و چنانچه عقدی منعقد و تردید حاصل گردد که عقد موقت یا دائم است، حمل بردائمی بودن آن می‌گردد، مگر اینکه خلاف آن اثبات گردد.

به عبارت دیگر مدعی موقت بودن عقد، می‌بایست آن را به اثبات برساند. در نکاح دائم بسیاری از ضوابط و احکام توسط قانون‌گذار ذکر گردیده است. متعاقبین می‌توانند با انتخاب آن، احکام و آثار مربوط را در روابط خویش برقرار سازند، بی‌آنکه نیازی به توافق آن‌ها در این خصوص باشد. (همانند لزوم پرداخت نفقه توسط زوج) برعکس، در نکاح موقت بسیاری از آثار و احکام صرفاً پس از توافق صریح زوجین به وجود می‌آید. بر این اساس، در نکاح موقت زوج الزامی به پرداخت نفقه ندارد، مگر این که در این خصوص با زوجه توافق کند.

۲- نکاح موقت

این قسمت را به نکاح منقطع اختصاص دادیم. نخست مفهوم نکاح منقطع را مورد مطالعه قرار داده، سپس مشروعیت آن را ملاحظه و در نهایت شرایط اختصاصی آن را بررسی می‌نماییم.

۲-۱- مفهوم نکاح موقت

نکاح موقت، نکاح متعه، نکاح منقطع^۱، نکاحی است که مدت زمانی در آن قید می‌شود

۱- نکاح موقت در قرآن کریم به رسمیت شناخته شده است؛ در آیه ۲۴ سوره نساء آمده است: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحَلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاذَلْتُمُ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا». ترجمه: و زنان شوهردار (بر شما حرام است)؛ مگر آن‌ها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است)؛ اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید). خداوند، دانا و حکیم است.

و رابطه زوجیت در زمان مزبور به وجود می‌آید و زوجین مکلف به اجرای حقوق و تکالیف زوجیت می‌باشند. پس از پایان مدت مزبور، نکاح خود به خود منحل و زوجین نسبت به یکدیگر بیگانه می‌شوند. چنانچه تمایل به ایجاد رابطه زوجیت داشته باشند، می‌بایست عقد جدیدی را منعقد سازند. بسیاری از اهداف نکاح دائم در نکاح موقت مشاهده نمی‌شود. بر این اساس ساختار، خصوصیات، ارکان و آثار آن از نکاح دائم متفاوت است.

در ماده ۱۰۷۵ آمده است: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد».

نباید چنین پنداشت که نکاح منقطع ابزاری برای تمایلات نفسانی و جنسی است. متعاقبیتی که قصد انعقاد عقد دائم را دارند، می‌توانند برای آشنایی بیشتر، نکاحی موقت را منعقد سازند و در صورت تمایل پس از پایان زمان آن، نکاحی دائم را منعقد کنند. شکی نیست بسیاری از مسائل موجود در نکاح دائم همچون تشکیل خانواده، زندگی دائم مشترک و... در این نوع نکاح جاری و ساری نمی‌شود.

یکی از نویسندگان، ازدواج موقت را از ضرورت‌های دنیای کنونی می‌داند و بر لزوم احیاء سنت‌های دینی تاکید می‌کند. وی معتقد است در بسیاری از موارد افراد متأهل در مسافرت‌های طولانی به سر می‌برند و با مشکل عدم برقراری رابطه جنسی مواجه هستند. در برخی افراد به دلیل عدم امکان فراهم آوردن شرایط ازدواج دائم و نداشتن قدرت مالی مناسب و یا اشتغالات تحصیلی، ازدواج موقت گزینه بسیار مناسبی است. از یک طرف می‌بایست نحوه نگرش مردم به آن تغییر یابد و قانون‌گذار نیز آن را قانون‌مند و با اتخاذ ساز و کارهایی، آن را قاعده‌مند کند.^۱

به نظر می‌رسد اندیشه مزبور قابل دفاع است. ازدواج موقت دارای مزایای فراوانی است که باعث کاستن از مشکلات و کج روی‌های اجتماعی می‌گردد. زوجین در پرتو ازدواج موقت به اهداف و مقاصدی دست می‌یابند که در ازدواج دائم نمی‌توانند بدان نائل شوند. با وجود این باید پذیرفت ازدواج موقت استثنا می‌باشد و اصل بر ازدواج دائم است. ازدواج موقت صرفاً در مواردی خاص توصیه می‌شود.

۱- لطفی، اسد الله (۱۳۹۰هـ.ش)، آیات الاحکام خانواده، ج اول، انتشارات خرسندی، تهران، ص ۱۲۹-۱۲۸.

۲-۲- مشروعیت نکاح موقت

فقهای اهل سنت در مورد بطلان نکاح منقطع، دارای اختلاف نظر می‌باشند و در خصوص کیفیت آن نظرات متعددی دارند.

برخی از این فقها معتقدند چنانچه در عقد نکاح مهلتی ذکر شود، مهلت مزبور باطل بوده و نکاح دائم است. از فقهای شافعی برخی معتقدند نکاح موقت اگر به مدت عمر زوج باشد نافذ خواهد بود. شماری دیگر معتقدند شرط مدت در عقد نکاح، باطل بوده ولی موجب بطلان عقد نکاح نمی‌شود، در این حالت عقد، دائم است، که فقهای عامه پیرامون علت بطلان آن اختلاف نظر دارند. افرادی معتقدند رسول اکرم (ص) نکاح موقت را مشروع دانسته ولی در زمان حیاتش آن را نهی نموده است. تعدادی از فقها نیز عدم مشروعیت آن را به برخی از صحابه نسبت می‌دهند. برخی دیگر در تفسیر نکاح موقت دچار اشتباه شده‌اند و عقد را به دلیل فقدان عده، عدم وجود مهر و... حکم بر بطلان آن نموده‌اند.^۱ در فقه امامیه فقها پیرامون صحت و اعتبار این عقد اتفاق نظر دارند. آن‌ها معتقدند این عقد تا ابد و برای همیشه معتبر خواهد بود. برخی از آیات قرآنی دلالت بر صحت و اعتبار آن دارد، مضافاً هیچ دلیلی وجود ندارد که پیامبر اکرم اقدام به نسخ نمودن آن نموده باشد. نسخ آیه مربوط به متعه امکان پذیر نیست. چنین امری اقدام ناسخ برمنسوخ است و عقلاً چنین تقدیمی محال است. آیه مربوط به نکاح متعه در سوره مبارکه نساء قید گردیده است. این آیه از آیات مدنی قرآن کریم است. درحالیکه آیه ازواج (آیه ادعایی ناسخ آیه متعه) در سوره‌های مؤمنین و معارج ذکر شده است. هر دو آیات مزبور، آیات مکی هستند. ادعای نسخ بر این اساس قابل پذیرش نیست.^۲

باید پذیرفت نکاح منقطع از نیازهای جامعه بشری است. مشخص نیست که چرا چنین نکاحی غیرشرعی اعلام شده است؟ خداوند تبارک و تعالی مبادرت به خلق انسان نموده است. در ساختمان بدن انسان رفع نیاز جنسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روش معمول و متعارف برطرف نمودن این نیاز انعقاد عقد نکاح است. عقد نکاح چارچوب یا قالبی است که زوجین می‌توانند نیازهای جنسی خویش را شرعاً و قانوناً اعمال نمایند. بی‌گمان، تمامی افراد

۱- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲هـ.ش)، درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی، ج اول، انتشارات میزان، تهران، صص ۲۳۹ و ۲۴۰ همچنین رک: الموسوی، سید عبدالحسین شرف الدین (۱۴۲۰هـ.ق)، مسائل فقهیه، مرکز الطباعه و النشر للمجمع العالمی لاهل بیت (ع)، ج اول، تهران، صص ۷۵.

۲- آل کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۱۰هـ.ق) اصل الشیعه و اصولها و مقارنه مع مذاهب الاربعه، ج اول، دار الفواء، بیروت، صص ۱۹۷.

قدرت و توان انعقاد نکاح دائم را ندارند. در این حالت، نکاح منقطع بستری مناسب برای حل مشکلات آنها است. حقوق ایران به پیروی از فقه امامیه چنین نکاحی را جایز دانسته است ولی در فقه اهل سنت با شیوه‌ای افراطی چنین نکاحی منع شده است. فقهای اهل سنت به مرور زمان دچار تکلف شده‌اند و به عقودی همچون نکاح مسیار، نکاح با انگیزه طلاق، ازدواج دوستان و... روی آورده‌اند. عقود مذکور، ماهیتاً نکاح موقت هستند ولی فقهای عامه به دلیل پیروی از نظر خلیفه دوم نکاح موقت را باطل می‌دانند و مجبور به ابداع آن عقود شده‌اند. در کشورهای غربی نیز نظر به نبود تعدد زوجات و ازدواج موقت، روابط نامشروع به نحو فزاینده‌ای گسترش یافته است. سقط جنین، ناهنجاری‌های اخلاقی، بی‌بند و باری، فروپاشی نظام خانواده و... بخش‌هایی از این توالی فاسد هستند.

بسیاری از شرایط و آثار نکاح دائم در نکاح موقت وجود دارد. براین اساس، نکاح موقت همچون نکاح دائم به معاطات واقع نمی‌شود، متعاقبین می‌بایست الفاظ و عباراتی را تبیین کنند که صراحتاً دلالت بر انعقاد نکاح می‌نماید. همچنین امکان تعلیق در نکاح موقت وجود ندارد. فرزندان ناشی از نکاح موقت همانند نکاح دائم فرزندان مشروع و دارای کلیه حقوق قانونی هستند.

در ماده ۱۰۹۶ ق.م.می‌خوانیم: «در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.»

۲-۳- شرایط اختصاصی نکاح موقت

برای انعقاد نکاح موقت (علاوه بر شرایط عقد دائم) موارد ذیل لازم و ضروری است:

الف- لزوم قید مدت

در نکاح موقت، زمان از ارکان عقد است. زوجین مکلفند بر زمان خاصی توافق نمایند. عدم قید زمان و یا توافق بر مدت زمانی مجهول، موجب بطلان نکاح می‌شود.

یکی از نویسندگان معتقد است چنانچه در نکاح موقت ابتدای مهلت ذکر نشده باشد، ابتدای آن از تاریخ وقوع عقد است و همچنین تبدیل نکاح موقت به دائم در حین عقد امکان‌پذیر نیست. چنانچه زوجین بر این امر تاکید داشته باشند، زوج می‌تواند مدت را به زوجه بذل کند و پس از آن نکاحی دائم را منعقد سازند. پیش از اتمام مهلت عقد، زوجین نمی‌توانند با قرائت صیغه‌ای نکاح موقت را به دائم تبدیل کنند. همچنین در مواردی که زوجه از تمکین خودداری

می‌کند، زوج می‌تواند الزام زوجه را به تمکین از دادگاه بخواهد. چنین امری موجب اسقاط نفقه زوجه می‌شود. لیکن در مواردی که نکاح موقت است، نفقه ثابت نمی‌شود مگر این که شرط نفقه در عقد شده باشد که در صورت عدم تمکین، نفقه ساقط خواهد شد.^۱

ب- لزوم توافق بر مهر

زوجین مکلفاند بر مهریه توافق کنند. عدم توافق بر مهریه موجب بطلان این نکاح است. در نکاح منقطع (برخلاف نکاح دائم) مهریه از ارکان عقد است.

ج- لزوم ذکر صیغه نکاح موقت

ایجاب و قبول نکاح موقت با نکاح دائم دارای تفاوت‌هایی است. زوجین مکلفاند در درون خویش نکاح موقت را قصد و اراده نمایند و در عالم خارج آن را بیان کنند. درج برخی از امور در نکاح منقطع اختیاری است اما درج آن‌ها متضمن منافعی برای احد زوجین است. مثلاً می‌دانیم زوج در نکاح مزبور تکلیفی به پرداخت نفقه ندارد مگر این که چنین امری در عقد مورد توافق زوجین باشد. برخی توافقات زوجین در این عقد نافذ نیست همانند شرط عدم مهر و شرط توارث احد زوجین از دیگری.

۲-۴- بررسی نکاح‌های خاص موقت

در برخی موارد، پیرامون امکان اعمال برخی قواعد عمومی عقد نکاح (درحوزه نکاح موقت) اختلاف نظر وجود دارد و بحث‌هایی مطرح شده است. از جمله این موارد، نکاح دختر باکره و نکاح نود و نه ساله است. ذیلاً به تبیین آن می‌پردازیم.

۲-۴-۱- نکاح دختر باکره

پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا دختر باکره می‌تواند نکاح موقت را منعقد نماید؟

در پاسخ می‌توان گفت در اینکه زوجه می‌تواند نکاح موقت را منعقد سازد تردیدی وجود ندارد. لیکن لزوم اذن ولی، در این خصوص امری ضروری است. هر چند که در قانون مدنی منعی وجود ندارد و اصل بر اباحه آن است، در خصوص ازدواج دختر باکره می‌بایست با احتیاط بیشتری عمل نمود. ضرورت‌های اجتماعی و حمایت از دختران باکره ایجاب می‌کند که نکاح

۱- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۷هـ.ش) بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، ج ۱۵، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ص ۲۱۶.

موقت آن‌ها نمی‌بایست به گونه‌ای باشد که آنان را در سرنوشتی نامعلوم و مبهم قرار دهد. در این مورد باید با احتیاط بیشتری برخورد کرد و انعقاد نکاح موقت دختر باکره را در فرضی صحیح پنداشت که عقد مزبور مقدمه‌ای برای انعقاد عقد نکاح دائم است. به عبارت دیگر، نامزدها می‌توانند به منظور ایجاد محرمیت و آشنایی بیشتر با طرف مقابل نکاح موقتی را منعقد سازند. بدون آنکه رابطه جنسی را در مدت عقد منعقد سازند.

۲-۴-۲- نکاح موقت نود و نه ساله

در قانون مدنی نصی پیرامون حداقل و حداکثر نکاح موقت وجود ندارد. زوجین می‌توانند با اتکاء به اصل آزادی قراردادی هر زمان معقول و متعارفی را درج نمایند. بر این اساس، انعقاد نکاح موقت برای مدت یک ماه صحیح و معتبر است و درصحت و اعتبار نکاح موقت ده سال هم هیچ تردیدی وجود ندارد.

برخی مباحث پیرامون نکاح موقت نود و نه ساله مطرح می‌شود. توضیح این که اندیشه‌ای در عرف و میان مردم وجود دارد که بر مبنای آن نکاح در زیر مدت نود و نه سال موقت است و چنانچه بالاتر از مدت مزبور انجام شود، عقد خود به خود به عقد دائم تبدیل می‌شود. چنین امری مورد قبول قانون‌گذار ایرانی قرار نگرفته است. تعیین مدت صد سال برای نکاح موقت موجب انقلاب ماهیت آن به نکاح دائم نمی‌شود. توضیح اینکه برخی افراد به گمان فرار از آثار و احکام نکاح دائم (منجمله ارث برای زوجین) به انعقاد نکاح نود و نه ساله روی آورده‌اند، در حالی که نکاح موقت اصولاً آثار نکاح دائم را ندارد، مگر این که زوجین بر وجود برخی آثار توافق نمایند (همانند لزوم پرداخت نفقه) و اندراج مدت زمانی صد سال (کمتر یا بیشتر) موجب دائمی بودن آن نمی‌شود.

۳- تفاوت نکاح دائم و موقت

میان نکاح موقت و دائم وجوه افتراق فراوانی وجود دارد. از میان آن‌ها می‌توان به ارث، مهریه، نفقه، عده و انحلال نکاح اشاره کرد که ذیلاً به تبیین آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱- ارث

در خصوص توارث همسران در نکاح دائم هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. در فقه امامیه فقها پیرامون میراث زوجین در نکاح منقطع اختلاف نظر دارند. برخی فقها معتقدند زوجه در نکاح

مزبور اصولاً ارث نمیبرد مگر این که شرط ارث به نفع وی شده باشد.^۱ در قانون مدنی صراحتاً قواعدی پیرامون ارث زوجین در نکاح منقطع تبیین نشده است. در فقه نیز در خصوص این امر اختلاف نظر وجود دارد و دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. ماده ۱۰۷۷ ق.م در این مورد صراحتاً امری را تبیین ننموده است و به احکام ارث ارجاع داده است. در ماده مزبور می‌خوانیم: «در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و مهر او، همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است». در مبحث ارث نیز از عدم ارث بری سخنی به میان نیورده است و صرفاً به دائم بودن نکاح اشاره کرده است. در ماده ۹۴۴ ق.م می‌خوانیم: «زوجین که زوجیت آن‌ها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند.»

یکی از نویسندگان معتقد است قرابت ناشی از نکاح موجب وراثت می‌شود. در خصوص این که قرابت ناشی از نکاح موقت نیز موجب ارث می‌شود، تردیدهایی وجود دارد. سبب مزبور در نکاح منقطع مجمل است.^۲ با وجود این، به فرضی که شرط ارث در عقد بیان شده باشد، شرط مزبور نافذ و معتبر^۳ و در غیر این صورت عدم توارث در نکاح منقطع اقوی می‌باشد.

۳-۲- عده

پس از انحلال نکاح، زوجه مکلف به نگهداری عده است. در مدت مزبور، زوج می‌تواند به وی رجوع کند. با پایان مهلت مزبور و در صورت عدم مراجعه زوج، زوجین نسبت به یکدیگر بیگانه هستند و زوجه می‌تواند با اشخاص ثالث ازدواج نماید. عده در نکاح دائم متفاوت با نکاح موقت است. در نکاح موقت عده در بذل مدت و انقضای مدت دو طهر است مگر این که زوجه به اقتضای سن عادت نبیند، در این صورت عده چهل و پنج روز خواهد بود. عده نکاح دائم سه طهر است مگر در صورتی که زوجه به اقتضای سن عادت نبیند که در این حالت عده سه ماه خواهد بود.

در ماده ۱۱۵۱ ق.م می‌خوانیم: «عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.»

۱- العاملی، زین الدین بن علی (معروف به شهید ثانی) (۱۴۳۴هـ.ق) الموسوعه شهید ثانی، ج ۸، ج اول، مرکز عالی للعلوم و الثقافه الاسلامیه، قم، ص ۲۰۰.

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲هـ.ش)، فن استدلال منطق حقوق اسلام، ج اول، انتشارات گنج و دانش، تهران، ص ۹۱.

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶هـ.ش)، حقوق خانواده، ج چهارم، گنج و دانش، تهران، ص ۱۲۲.

در ماده ۱۱۵۲ ق.م.آمه است: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیرحامل دو طهر است مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است».

لازم به ذکر است در فرضی که زوجه باردار باشد، عده آن به گونه‌ای دیگر محاسبه می‌شود. (در آینده توضیح داده می‌شود). در این مورد تفاوتی میان نکاح دائم و موقت وجود ندارد.

۳-۳- نفقه

در نکاح دائم زوج مکلف به پرداخت نفقه است، حتی اگر زوجین در این خصوص توافق نکرده باشند. التزام به پرداخت نفقه از آثار نکاح دائم است و نیازی به تراضی زوجین ندارد. در نکاح منقطع زوج اصولاً تعهدی به پرداخت نفقه ندارد، مگر این که در این خصوص توافق شده باشد.

ماده ۱۱۱۳ ق.م.مقرر می‌دارد: «در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد»

۳-۴- مهریه

در نکاح دائم زوجین می‌توانند در خصوص مهریه توافق کنند و مالی را به عنوان مهر در نظر گیرند. عدم تعیین مهریه تاثیری در عقد ندارد. زوجین می‌توانند تعیین مهر را به شخص ثالث واگذار کنند یا متعاقباً پس از عقد آن را تعیین کنند. در فرضی که آن‌ها در این مورد سکوت کنند عقد صحیح است و مهر با توجه به ضوابطی تعیین می‌شود. در نکاح منقطع زوجین می‌بایست میزان مهر را تعیین کنند و سکوت آن‌ها در خصوص مهر موجب بطلان عقد است.

در ماده ۱۰۹۵ ق.م.آمه است: «در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است» مستنبط از ماده مزبور، عدم تعیین مطلق مهر موجب بطلان نکاح است. در این خصوص، تفاوتی نمی‌کند که مهر تعیین نشده باشد، یا اختیار تعیین آن بر عهده زوج یا زوجه قرار داده شده باشد.

ماده ۱۰۹۶ ق.م.مقرر می‌دارد: «در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهریه را بدهد».

۳-۵- انحلال نکاح

در نکاح دائم انحلال نکاح به مواردی همچون طلاق و فسخ منحصر شده است. این عقد در مواردی منحل می‌شود که یکی از اسباب فسخ عقد وجود دارد و یا عقد با توجه به طلاق منحل شود. در نکاح منقطع انحلال نکاح به مواردی همچون بذل مدت و انقضاء مهلت محدود شده است. در نکاح موقت زوج یا زوجه نمی‌تواند تقاضای طلاق را از دادگاه نماید. این عقد در مواردی که مهلت آن به پایان می‌رسد منحل می‌شود (مثلاً زوجین مهلتی سه ماه را تعیین کرده‌اند و مهلت مزبور به پایان می‌رسد). همچنین زوج می‌تواند مهلت را بذل کند و عقد را منحل کند (به طور مثال نکاح منقطعی به مدت سه ماه تعیین شده است و در ماه دوم زوج مهلت را به زوجه بذل می‌کند).

ماده ۱۰۹۷ ق.م.مقرر می‌دارد: «در نکاح منقطع هر گاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.»

در ماده ۱۱۲۰ ق.م.آمده است: «عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود.»

پرسشی که مطرح می‌شود این است که چنانچه در نکاح منقطع بر مدت نسبتاً طولانی توافق شده باشد و اندکی بعد از انعقاد عقد زوجه بلا تکلیف رها شود، وی چه اقدام حقوقی را می‌تواند انجام دهد؟ از طرفی زوجه نمی‌تواند درخواست طلاق را دهد. زوج نیز مدت را بذل نمی‌کند و مدت مدیدی از زمان عقد باقی مانده است. در این حالت، زوجه اسیر عقد می‌شود و نمی‌تواند از آن رها شود. حقوق باید به دنبال تمهیدی برای رفع ضرر زوجه باشد.

در این خصوص یکی از نویسندگان معتقد است زوجه می‌تواند (برای رهایی از بلا تکلیفی) الزام زوج را به بذل مدت از دادگاه بخواهد.^۱ در قانون مدنی نصی در این خصوص مشاهده نمی‌شود. باید پذیرفت در مواردی که بقای زوجیت در نکاح منقطع مستلزم عسر و حرج زوجه باشد، وی بتواند با مراجعه به دادگاه الزام زوج به بذل مدت را بخواهد و در صورتی که زوج از انجام چنین امری خودداری کند، دادگاه بنا بر درخواست زوجه حکم بر انحلال نکاح دهد.

۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵هـ.ش)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، ج سیزدهم، نشر میزان، تهران، ص ۶۹۹. مرادی خدیجه و میلاد خدائی (۱۳۹۵هـ.ش)، کاربرد قواعد فقه قضائی در حقوق خانواده، ج اول، انتشارات خرسندی، تهران، ص ۱۹۰. همچنین رک: نوین، پرویز (۱۳۹۵هـ.ش) حقوق مدنی (۵) حقوق خانواده تطبیقی، ج اول، انتشارات گنج و دانش، تهران، ص ۱۰۸. وحیدی، محمد (۱۳۸۹هـ.ش)، احکام خانواده، ج ۱، انتشارات دارالعلم، تهران، ص ۳۹۹.

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۶۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۸ هـ.ش قائل بر نظر مزبور شده است.^۱

۳-۶- عدم محدودیت

در نکاح منقطع بر خلاف نکاح دائم هیچ گونه سقف و محدودیتی وجود ندارد و زوج می‌تواند هر میزان نکاحی را منعقد نماید. در حالی که انعقاد نکاح دائم محدود به چهار زن است.^۲ به عبارت دیگر، زوج نمی‌تواند در زمان واحد بیش از چهار زن دائم داشته باشد. در این حالت، نکاح پنجم وی باطل است. در حالی که انعقاد نکاح موقت منحصر به میزان خاصی نیست. زوج می‌تواند در زمانی واحد بیش از چهار زن یا کم‌تر آن داشته باشد.

۳-۷- ثبت نکاح

در نکاح دائم ثبت نکاح امری اجباری است. قانون‌گذار برای این مورد ضمانت اجرای کیفری تعیین کرده است.

بر طبق ماده ۲۱ ق. ح. خ ثبت واقعه نکاح موقت صرفاً در مواردی همچون توافق طرفین، باردار شدن زوجه، شرط ضمن عقد الزامی است. باید پذیرفت ثبت واقعه نکاح دائم اصل است ولی ثبت واقعه نکاح موقت استثناء است. به عبارت دیگر، ثبت نکاح موقت صرفاً در مواردی که قانون‌گذار معین کرده است. اجباری است.

ماده ۴۹ ق. ح. خ مقرر می‌دارد: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت

۱- سوابی: خانمی با ارائه مدارک مثبت به صیغه ۹۹ ساله تقاضای طلاق را از مرجع قضائی نموده. علی‌هذا با عنایت به ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی و اختلاف نظر مراجع عظام در باب تلقی این موضوع به عنوان عقد دائم یا موقت مقتضی است نسبت به ارشاد این دادگاه در نحوه رسیدگی خواسته مزبور اقدام شایسته مبذول فرمایید. پاسخ: با عنایت به ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی مبنی بر این که «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد». چنانچه در عقد ازدواج «مدت» ذکر شده و لو طولانی باشد «متعّه» است. از طرفی به موجب ماده ۱۱۳۹ قانون مدنی، «طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه با انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود». در عین حال چنانچه در مواردی زوجه منقطعه با عسر و حرج رو به رو شود و این موضوع بر دادگاه ثابت گردد، در این صورت دادگاه می‌تواند با توجه به ملاک ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی حکم به اجبار زوج به بذل مدت ازدواج موقت صادر نماید. اطرش، کامران (۱۳۹۴-هـ.ش). حقوق خانواده در آیین قانون (بررسی مواد قانون مدنی و قانون حمایت خانواده)، ج اول، انتشارات جنگل جاودانه، تهران، ص ۲۰۷.

۲- چنین امری در آیه سوم سوره نساء مورد تأکید قرار گرفته است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسَطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرِبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا». ترجمه: و اگر می‌ترسید که نتوانید در مورد دختران یتیم [در صورت ازدواج با آنان] عدالت ورزید، بنابراین از [دیگر] زنانی که شما را خوش آید دو دو و سه سه و چهار چهار به همسری بگیرید. پس اگر می‌ترسید که با آنان به عدالت رفتار نکنید، به یک زن یا به کنیزانی که مالک شده‌اید [کنفا کنید] این [کنفای به یک همسر عقدی] به اینکه ستم نوزید و از راه عدالت منحرف نشوید، نزدیک تر است.

نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.»

ماده ۳۸ ق.ج.خ مقرر می‌دارد: «در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورت جلسه می‌شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است، مگر این که زن رضایت به ثبت داشته باشد. در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورت جلسه تکمیل و طلاق ثبت می‌شود. صورت جلسه تکمیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنان و دو شاهد طلاق می‌رسد. در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می‌شود. در هر حال در صورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع، طلاق ثبت می‌شود.»

۳-۸- مدت

گفته شد که نکاح دائم مقید به ذکر مهلت نیست ولی در مقابل، نکاح موقت، مقید به ذکر مهلت است. مسئله‌ای که در این خصوص مطرح می‌شود این است چنانچه در نکاحی موقت مهلت ذکر نشود، آیا عقد به نکاح دائم تبدیل می‌شود یا نکاح باطل است؟

اصل صحت، اقتضای صحت نکاح را دارد. بر طبق اصل مزبور هر گاه عقدی منعقد شود و تردید در صحت و عدم صحت آن شود، حکم به صحت آن داده می‌شود. با وجود این، باید توجه داشت عقد تابع قصد مشترک طرفین است. متعاقدين قصد انعقاد عقد دائم را ندارند که عقد بر مبنای آن تفسیر شود. قصد واقعی آنها عقد موقت بوده است، ولی مدت و مهلت را ذکر نکرده‌اند. باید پذیرفت عدم ذکر مهلت، موجب بطلان عقد می‌شود. در نکاح موقت، مهلت از شرایط اساسی عقد است. اصل صحت را نمی‌توان در خصوص مرحله انعقاد و عدم انعقاد عقد به کار برد. در حالی که در فرض این مسئله تردید در مرحله انعقاد و عدم انعقاد عقد است.

ماده ۱۰۷۶ ق.م.مقرر می‌دارد: «مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.»

در حقوق ایران قیدی در خصوص حداقل و حداکثر مهلت نکاح وجود ندارد. متعاقدين با تراضی یکدیگر می‌توانند مهلت مزبور را تعیین کنند. چنانچه زوجین قصد تبدیل نکاح موقت

به دائم را داشته باشند، می‌بایست منتظر انقضاء مدت بمانند یا زوج مدت را بذل نماید و پس از آن نکاح دائم را منعقد کنند. امکان انعقاد نکاح دائم هم زمان با نکاح منقطع نیست. در واقع، زوجین نمی‌توانند در حین نکاح منقطع بر تبدیل آن به نکاح دائم توافق کنند.

۳-۹- امکان رجوع در عده

در نکاح دائم پس از طلاق، زوج می‌تواند از طلاق رجوع نماید. اصل در رجعی بودن طلاق است و حق رجوع صرفاً در طلاق بائن وجود ندارد. رجوع مزبور، موجب برقراری رابطه مجدد زوجیت می‌شود. به عبارت دیگر، مطلقه رجعیه در حکم زوجه است و زوج می‌تواند با رجوع مجدداً رابطه زوجیت را برقرار نماید. در نکاح دائم برای برقراری رابطه زوجیت نیازی به انعقاد عقد جدید نیست و رجوع زوج می‌تواند مجدداً رابطه مزبور را ایجاد کند. در نکاح موقت پس از انحلال نکاح به موجب بذل مدت و انقضاء مهلت، چنانچه زوجین تمایلی به انعقاد نکاح داشته باشند، می‌بایست مجدداً صیغه انعقاد عقد را جاری کنند.^۱

یکی از نویسندگان معتقد است نکاح موقت فاقد برخی خصایص نکاح دائم است: در نکاح موقت مرد بر خانواده ریاستی ندارد و نمی‌تواند مانع اشتغال زوجه شود. در نکاح منقطع زن به محض انعقاد عقد مکلف به تمکین از زوج نیست و...^۲ پذیرش این نظر به معنای تغییر در برخی از آثار و احکام نکاح موقت در مقایسه با نکاح دائم است. با وجود این، به نظر می‌رسد چنین اندیشه‌ای خالی از اشکال نباشد: خروج آثار و احکام نکاح منقطع از نکاح دائم یا مستثنای نمودن برخی از آثار هنگامی امکان‌پذیر است که قانون‌گذار چنین امری را تبیین نموده باشد و یا این امر از طبیعت و ماهیت نکاح منقطع استنباط شود. در غیر این صورت، نمی‌توان مدعی خروج برخی از مسائل موجود در نکاح موقت از نکاح دائم شد.

ب- انواع نکاح‌های باطل

برخی از انواع نکاح مورد شناسایی قانون‌گذار قرار نگرفته‌اند. در فقه نیز فقها پیرامون عدم صحت و اعتبار آن‌ها اتفاق نظر دارند. تحلیل پاره‌ای از نکاح‌ها، با توجه به مواد قانون مدنی و تطبیق آن‌ها با اصول حقوقی دشوار به نظر می‌رسد. از جمله این نکاح‌ها می‌توان به نکاح شغار، نکاح سفید و نکاح مسیار اشاره نمود. ذیلاً به تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

۱- لطفی، اسد الله (۱۳۹۳ هـ.ش)، حقوق خانواده، ج ۱، ج سوم، انتشارات خرسندی، تهران، ص ۳۳.

۲- یزدی، امید (۱۳۹۵ هـ.ش) حقوق خانواده، ج دوم، انتشارات آوا، تهران، ص ۵۰.

شایان ذکر است که در فقه اهل سنت نکاح تحت عنوان «نکاح تحلل» وجود دارد. در این نوع نکاح، زوجین صرفاً قصد تمتع جنسی و برقراری رابطه جنسی را دارند. آن‌ها به دنبال سکونت مشترک و تشکیل خانواده نیستند. فقهای عامه پیرامون صحت و عدم اعتبار آن اختلاف نظر دارند. برخی از فقها آن را نکاحی باطل می‌پندارند. در مقابل دسته دیگر شرط را باطل و عقد را صحیح می‌دانند.^۱

در حقوق ایران نمی‌توان قائل به مشروعیت چنین نکاح‌هایی شد. انگیزه و داعی طرفین از انعقاد عقد نکاح در صورتی که در غیر مشروع باشد و در عقد ذکر شود، باطل است. انعقاد عقد نکاح با هدف برقراری رابطه زناشویی نه تنها امری مشروع نیست بلکه ذکر آن در عقد موجب بطلان آن نمی‌شود. در صحت و اعتبار نکاح مزبور نمی‌توان تردید نمود.

۱- نکاح مسیار

نکاح موقت در فقه اهل سنت غیرمشروع است. در سال‌های اخیر، نکاحی تحت عنوان نکاح مسیار در برخی کشورهای عربی به وجود آمده است. این نکاح تا حد زیادی با نکاح موقت شباهت دارد.

نکاح مسیار نکاحی است که زوجه از برخی از حقوق خویش از قبیل سکونت مشترک، نفقه، مسکن و دارا شدن فرزند و ... چشم‌پوشی می‌کند. این عقد دارای کلیه ارکان لازمه برای انعقاد از قبیل اذن ولی، ایجاب و قبول زوجین و... است. این نکاح، در جوامع اهل سنت گسترش پیدا کرده است و فقهای اهل سنت در خصوص مشروعیت و عدم مشروعیت آن مباحثی را مطرح کرده‌اند. قول قوی صحت و اعتبار این عقد است.^۲

یکی از علل عمد و اساسی پیدایش نکاح مسیار در کشورهای عربی اهل سنت، بطلان و غیر مشروع پنداشتن نکاح موقت است. توضیح این که در کشورهای مزبور نکاح موقت باطل است. فقها و صاحب‌نظران این کشورها به دنبال استفاده از نهادی جایگزین برای نکاح موقت شدند، آن‌ها نکاح مسیار را ابداع نمودند.

در حقوق ایران و فقه امامیه با وجود عقد نکاح نیازی به استعانت از نکاح مزبور نیست. در

۱ - الشخت، محمد (۱۴۱۴هـ.ق)، فقه انساء فی الضوء المذاهب الاربعه، و الجتهادات الفقهیه المعاصره، ج اول، دمشق، ص ۲۴۰.

۲ - برای مطالعه بیشتر رک: الزحیلی، وهبه مصطفی (۱۴۳۰هـ.ق)، قضایا الفقه و الفکر المعاصر، ج ۱، ج دوم، دال‌فکر، دمشق، ص ۸۹. یوسف الزرار، ملکه (۲۰۰۰م)، موسوعه الزواج و علاقه الزوجیه فی الاسلام، ج ۱، ج اول، دارالفتح للاعلام العربی، دمشق، ص ۲۱۵.